

روش‌شناسی علامه نباطی بیاضی در علم

کلام

عبدالرحیم سلیمانی بهبهانی^۱

هادی سلیمان مافی^۲

چکیده

زین الدین بیاضی از عالمان برجسته شیعه در قرن نهم هجری است. وی با استفاده از علومی که در آنها از اساتید فن محسوب می‌شد، توانست در علم کلام آثار ارزشمندی تدوین کند. او برای عقل جایگاه ویژه‌ای قائل است، و به صورت گسترده از استدلال‌های عقلی بهره می‌برد. گرچه از ادله سمعی نیز غافل نبوده و در جای خود از این طریق معرفت‌زا نیز استفاده می‌کند. همین رویکرد و روش باعث پدید آمدن آثار کلامی ناب از ایشان با رنگ و بوی عقل و در عین حال برخوردار از میراث منقول شد.

واژه‌های کلیدی: زین الدین بیاضی، روش‌شناسی، روش کلامی، عقل‌گرایی، روش نقلی، تأویل.

۱. دانش آموخته سطح چهار، مؤسسه آموزش عالی امام صادق علیه السلام، استادیار پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، رایانامه: soleimani@isca.ac.ir.

۲. دانش آموخته سطح چهار، مؤسسه آموزش عالی امام صادق علیه السلام.

مقدمه

روش‌های عمده‌ای که متکلمان اسلامی در در اثبات و تبیین آموزه‌های اعتقادی و دفاع از آنها به کار برده‌اند، عبارتند از: روش عقلی، روش نقلی، روش ترکیبی (عقلی - نقلی). تدوین و تالیف مباحث کلامی نیز روش‌های متفاوتی دارد، چنانکه روش مواجهه و برخورد کلامی متکلم با مکاتب و ادیان و مذاهب دیگر، و عالمان و متفکران دیگر نیز متفاوت بوده است. بررسی روش کلامی یک متکلم از جهات یاد شده، در شناخت شخصیت علمی، و بهره‌گیری از اندیشه‌های کلامی او، و همچنین، بررسی و نقد آراء کلامی وی نقش موثری دارد. در نوشتار پیش رو در پی آنیم که با رجوع به آثار کلامی علامه زین الدین بیاضی که از متکلمان برجسته امامیه است، ابعاد و زوایای روش کلامی وی را تبیین و تحقیق کنیم.

۱. شخصیت

علامه شیخ زین الدین ابومحمد علی بن محمد بن یونس عاملی نباطی بیاضی عنفجوری بقاعی مشهور به «بیاضی» و «صاحب الصراط المستقیم» یکی از متفکران قرن نهم هجری قمری است که در دانش‌های متعدد اسلامی مانند کلام، تفسیر، منطق، حدیث، شعر و ادبیات، آثار ارزشمندی از خود به جای گذاشته است.

وی در چهارم ماه رمضان المبارک سال ۷۹۱ هجری قمری در روستای نبطیه از توابع جبل عامل لبنان در خانواده‌ی علم و فضیلت دیده به جهان گشود. و بعد از سالها تحصیل و تحقیق و تألیف، در سال ۸۷۷ هجری قمری دار فانی را وداع گفت. تبخّر بیاضی در دانش‌هایی چون کلام، منطق، تفسیر، حدیث، فقه، ادبیات، شعر، لغت و... توجه متفکران اسلامی را به خود جلب نموده و هر یک از ایشان به نحوی از وی تمجید و تجلیل کرده‌اند.

کفعمی در وصف استادش گفته است: «پیشوای متفکران علامه یگانه‌ی دوران، کسی که انوار جبروت بر او فرود آمده، کسی که اسرار ملکوت را به دست آورده و بر آنها دست یافته، و در بردارنده کمالات پیشینیان است» (ر.ک: افندی، ۱۴۳۱، ۴: ۲۵۵-۲۵۶). برخی دیگر، علامه بیاضی را چنین توصیف می‌کنند: «عالمی است فاضل فقیه محدث، محقق مدقق، ادیب شاعر، متکلم متبحر، وحید عصر و فرید دهر خود، از



اکابر مشایخ شیعه و...» (مدرس تبریزی، ۱۳۶۹، ۱: ۲۹۹؛ حرّ آملی، ۱۳۸۵، ۱: ۱۳۵؛ سبحانی، ۱۴۱۸، ۳: ۲۲۳-۲۲۴).

۲. آثار و تالیفات علامه بیاضی

هر متفکر و عالمی در طول زندگی علمی خویش پس از طیّ مراحل تحصیل و تهذیب، با تربیت شاگرد و دستگیری از نفوس مستعدّ و تألیف کتب و رسائل، از خود آثاری برای آیندگان به یادگار می‌گذارد و معارف گذشتگان را به نسل بعدی انتقال می‌دهد. علامه بیاضی نیز که خود متفکری ژرف‌نگر و عالمی وارسته بود در این زمینه از خود یادگارهایی دارد که بخشی از آن آثار قلمی و تدوینی اوست که به آن اشاره می‌شود، آثار مکتوب علامه بیاضی آن‌چنان که در شرح حال وی آمده، قریب به بیست کتاب و رساله است که در علوم گوناگون اسلامی تألیف یافته است، ولی اکنون بیش از هشت مورد از آنها در دست نیست. آثار علامه بیاضی را به دو بخش کلامی و غیر کلامی تقسیم‌پذیر است:

۲-۱. آثار غیر کلامی

۱. «منخل الفلاح» (افندی، ۱۴۳۱، ۴: ۲۵۸) که مختصر و گزینش کتاب «مختلف الشیعه» علامه حلی است. شیخ حرّ عاملی از این کتاب به نام «مختصر المختلف» یاد کرده است (حرّ آملی، ۱۳۸۵، ۱: ۱۳۵).
۲. «نجد الفلاح» (همان) که مختصر کتاب «صحاح اللغه» جوهری است (همان).
۳. «زبدة البیان و انسان الانسان فی تفسیر القرآن» که تلخیص تفسیر «مجمع البیان» علامه طبرسی است. شیخ حرّ از آن به عنوان «مختصر مجمع البیان» نام برده است (همان).
۴. «اللمعة فی المنطق» (همان).

۲-۲. آثار کلامی

با توجه به اینکه مقصود ما روش شناسی کلامی ایشان است لذا به توضیح تفصیلی آثار کلامی ایشان می‌پردازیم:

۱. «المقام الأسنی فی تفسیر أسماء الله الحسنی» (افندی، ۱۴۳۱، ۴: ۲۵۹): شرح بر دعای جوشن کبیر است که ایشان از این کتاب با عنوان «شرح الأسماء» در کتاب «الرسالة اليونسیة» نام برده است (نباطی بیاضی، ۱۴۲۲، ۸۹ و ۱۰۶) که به گفته شرح

حال نویسان، مرحوم کفعمی این کتاب را در کتاب «المقام الأسنی» خودش آورده است (افندی، ۱۴۳۱، ۴: ۲۵۹).

۲. «ذخیره الایمان» (آقا بزرگ تهرانی، ۱۴۰۳، ۱: ۴۹۴، ۱۰: ۱۴-۱۵): این اثر منظوم، مشتمل بر حدود شصت بیت، و در باره مساله خلافت بعد از رسول اکرم ﷺ است. و در این راستا با روش پرسش و پاسخ و تحلیل و جستجو در معیارها و ملاک‌های ارائه شده از سوی رسول گرامی اسلام ﷺ سرانجام به این نتیجه می‌رسد که بر اساس ملاک‌ها و میزانی که پیامبر الهی در طول زندگی پربارش ارائه نموده است فقط علی بن ابی طالب علیه السلام صلاحیت منصب خلافت و امامت را داراست. نام اثر از سوی مؤلف و سراینده آن «ذخیره الایمان» نهاده شده است، چنانچه در بیت ۵۶ به صراحت می‌گوید:

سمّيتها «ذخيرة الإيمان» هدية مني إلى الإخوان

هم‌چنین شاعر در بیت ۵۹ نام «ارجوزه» را هم به جهت وزنش به آن گذاشته و چنین سروده است:

وهذه أرجوزة الضعيف على اللاجي إلى اللطيف^۱

۳. «فاتح الكنوز المحروزة في ضمن الأرجوزة» (افندی، ۱۴۳۱، ۴: ۲۵۹): این کتاب شرح «ذخیره الایمان» است.

۴. «الباب المفتوح الی ما قیل فی النفس و الروح» (همان، ۲۵۸): این کتاب مشتمل بر دو مقصد است. مقصد اول در باب نفس و اقوال در ماهیت آن، و نقد و بیان نظریه مختار است، و مقصد دوم در بیان ماهیت روح و نقل و نقد اقوال فلاسفه و متکلمان و بیان نظریه مختار است. علامه مجلسی این کتاب را در مجلد السماء و العالم بحار الأنوار آورده است (مجلسی، ۱۴۰۳، ۵۸: ۹۱).

۵. «رسالة في الكلام» (حر آملی، ۱۳۸۵، ۱: ۱۳۵).

۶. «الرسالة اليونسية في شرح المقالة التکلیفیه» (آقا بزرگ تهرانی، ۱۴۰۳، ۱۱: ۲۳۰): این کتاب شرح مقاله تکلیفیه شهید اول است، این اثر در ضمن کتاب «اربع رسائل کلامیه» چاپ شده است. علامه بیاضی این رساله را در مساله تکلیف در پنج

۱. واژه «ارجوزه» به قصیده‌ای گفته می‌شود که از بحر رجز باشد این اصطلاح به معانی بیت کوتاه، شعر کوتاه آمده و به رجز خوانی در میدان جنگ نیز اطلاق می‌شود (ابن اثیر، ۱۳۶۷، ۲: ۱۹۹)، از این رو نام این قصیده که بر اساس بحر رجز است «ارجوزه ذخیره الایمان» می‌باشد. علامه بیاضی همچنین در مصراع دوم همان بیت به نام خود تصریح نموده که «علی» می‌باشد.

فصل به ترتیب: ماهیت تکلیف، متعلق تکلیف، غایت تکلیف، ترغیب و ترهیب تدوین کرده است.

۷. «الكلمات النافعات فی تفسیر الباقيات الصالحات» (افندی، ۱۴۳۱، ۴: ۲۵۹):

این اثر شرحی بر الباقيات الصالحات شهید اول است، که در چهار مرصد به ترتیب: در معنای سبحان الله، در معنای الحمد لله، در معنای لا اله الا الله و در معنای الله اکبر تدوین شده است. این اثر و رساله یونسیه ایشان در «ربع رسائل کلامیه» همراه با دو رساله شهید اول به چاپ رسیده است.

۸. «الصرط المستقیم إلى مستحقی التقدیم» (آقا بزرگ تهرانی، ۱۴۰۳، ۱۵: ۳۶):

این کتاب از مهمترین آثار علمی علامه بیاضی، و یکی از آثار مهم در مسالهی امامت ائمه اثنی عشر است. ایشان در این کتاب نهایت تلاش خود را مبذول داشته و با اقامه براهین محکم و قاطع از عقل و نقل و اخبار صحیح و آیات صریح به اثبات امامت ائمه دوازده گانه پرداخته است. این کتاب مشتمل بر بیست و هفت باب است که سه باب اول آن در مسالهی اثبات واجب الوجود و صفت او و همچنین مسالهی اثبات رسالت حضرت ختمی مرتبت و صفات او می‌باشد، و بقیه ابواب در مسالهی امامت است، و در پایان نیز مباحث فقهی فرق چهارگانه و نیز مطاعن خلفا و نقد صحیحین را آورده است.

۹. «عصرة المنجود» (به معنی پناهگاه و نجات دهنده شخص هلاک شده و

گمراه): این اثر نیز از آثار کلامی مهم ایشان است که در دسترس ما قرار دارد (آقا بزرگ تهرانی، ۱۴۰۳، ۱۵: ۲۷۲). و به تصریح خود علامه بیاضی، این کتاب بعد از اثر پیشین یعنی «الصرط المستقیم» به رشته تحریر درآمده است (نباطی بیاضی، ۱۴۲۸، ۲۷۵، ۲۹۴، ۲۹۷، ۳۲۰، ۳۲۲، ۳۲۶). این اثر مشتمل بر یک دوره مباحث کلامی است که بر بیست و یک باب تنظیم شده است، که باب اول آن در مسالهی ماهیت نظر است و بعد از آن به مسالهی اثبات صانع و اثبات صفات حضرت حق می‌پردازد و در ادامه مسالهی نبوت و در پایان مسالهی امامت را مطرح می‌کند. ایشان در این اثر در مورد مسالهی معاد مطالب مفصلی ندارد و فقط به برخی از مباحث آن مانند: شفاعت، عذاب قبر و میزان و حساب پرداخته است (نباطی بیاضی، ۱۴۲۸، ۲۶۲-۲۷۳). از میان آثار کلامی ایشان دو اثر اخیر از اهمیت بیشتری برخوردار هستند.

۳. بهره‌گیری از علوم مختلف در مباحث کلامی

زین الدین بیاضی در مباحث کلامی خود از علوم مختلف عقلی و نقلی بهره گرفته است:

۳-۱. علوم عقلی

۱. **منطق:** ایشان اهتمام فراوانی به علم منطق داشته و اثری مستقل به نام «اللمعة فی المنطق» تالیف کرده و در جای جای مباحث کلامی خود از فن منطق استفاده کرده است (نباطی بیاضی، ۱۳۸۴، ۱: ۱۱۵-۱۲۸، ۱: ۱۳۰-۱۳۳ و...؛ همو، ۱۴۲۸، ۵۳، ۵۵، ۷۲، ۷۶، ۷۸، ۱۴۰، ۱۶۸، و...). علاوه بر این، ایشان در بسیاری از موارد به مسائل منطقی تصریح کرده است، مانند: برهان لمّی و اِتی (نباطی بیاضی، ۱۳۸۴، ۱: ۱۳۹-۱۴۰؛ همو، ۱۴۲۸، ۷۲، ۷۶)، تناقض، تضاد، تضایف (نباطی بیاضی، ۱۳۸۴، ۱: ۱۲۴؛ همو، ۱۴۲۸، ۵۵، ۹۵، ۱۱۳ و ۱۲۷)، استقراء، تمثیل، جدل، مغالطه (همو، ۱۳۸۴، ۱: ۱۲۸)، شروط تعریف و شرایط قیاس و وجهات (همان، ۱۱۵، ۱۲۲، ۱۲۸، ۱۳۱، ۱۳۲، ۱۳۳ و...؛ همو، ۱۴۲۸، ۱۴۱)، برهان کذب نقیض (نباطی بیاضی، ۱۳۸۴، ۱: ۱۱۳)، قیاس استثنایی (همان، ۴۶)، عکس مستوی (همان، ۱۲۵، ۱۲۷ و ۱۴۱) و مسائل دیگر منطقی (نباطی بیاضی، ۱۴۲۸، ۷۲، ۸۷ و ۱۴۰؛ همو، ۱۳۸۴، ۱: ۱۲۰ و...).

به عنوان نمونه ایشان برای اثبات وجوب عصمت امام این‌گونه استدلال می‌کند: کبری: «هیچ امامی نصب او از ناحیه خداوند عبث نیست بالضروره» که این قضیه سالبه کلیه و موجهه است و صغری: «غیر معصوم نصب او عبث است بالامکان» که این قضیه موجهه کلیه و موجهه است. و نتیجه: «هیچ امامی غیر معصوم نیست بالضروره».

ایشان در پاسخ به این سوال که چرا نتیجه ضروریه شد؟ می‌گوید: در علم منطق ثابت است که در شکل دوم از اشکال اربعه استدلال، اگر بین ممکنه و ضروریه اختلاط حاصل شود، نتیجه ضروریه خواهد بود. و در ادامه استدلال اضافه می‌کند که: می‌توان این نتیجه را تبدیل کرد به: «هر امامی معصوم است بالضروره»، زیرا سالبه معدولة المحمول مستلزم موجهه محصلة المحمول است (نباطی بیاضی، ۱۳۸۴، ۱: ۱۲۸).

۲. **معرفت شناسی:** اگرچه معرفت شناسی به صورتی که امروزه به عنوان شاخه‌ای مستقل از علوم عقلی مطرح است، در دوره‌های پیشین سابقه نداشته، ولی



متکلمان اسلامی در آغاز مباحث کلامی خود یا در بحث مربوط به «وجوب نظر» و مانند آن، پاره‌ای از مسائل مهم معرفت‌شناسی را مورد بحث قرار داده‌اند. علامه بیاضی نیز در موارد متعدد، به برخی مباحث معرفت‌شناسی پرداخته است، مانند: تعریف نظر و فکر، معرفت ضروری و نظری (نباطی بیاضی، ۱۴۲۸، ۲۶، ۲۷؛ همو، ۱۳۸۴، ۱: ۳۰۶)، اقسام علم ضروری (نباطی بیاضی، ۱۴۲۸، ۳۱)، شرایط معلوم، فرق علم و ادراک (همان: ۸۱)، تواتر و انواع آن، قطع، عقل نظری (نباطی بیاضی، ۱۳۸۴، ۱: ۴۲ و ۴۴؛ همو، ۱۴۲۸، ۴۵).

۳. **فلسفه:** زین الدین بیاضی از متکلمان عقل‌گرای غیر فلسفی است؛ یعنی آثار کلامی خود را به شیوه متکلمان عقل‌گرای دارای مشرب فلسفی - مانند خواجه نصیرالدین طوسی - از بحث‌های فلسفی شروع نکرده، و درباره فلسفه اولی نفی و اثباتا موضعی را اتخاذ نکرده است، اما در لابه لای مباحث کلامی خود به تناسب به مباحث و مفاهیم فلسفی پرداخته و از آن بهره برده است. مانند: تعریف جسم و عرض، جوهر، جنس (نباطی بیاضی، ۱۴۲۸، ۹۴ و ۹۵)، حدوث و قدم (همان: ۹۴، ۹۵ و ۹۹)، علت و معلول، تسلسل و دور (نباطی بیاضی، ۱۳۸۴، ۱: ۷۹؛ همو، ۱۴۲۸، ۴۶، ۵۴، ۶۱، ۷۳، ۷۸ و ۷۹)، زمان و مکان، انقلاب، اکوان اربعه (نباطی بیاضی، ۱۴۲۸، ۵۰، ۵۱ و ۵۴)، و همچنین از قواعد فلسفی همچون استحاله ترجیح بلا مرجح و قاعده حکم الأمثال و عدم الوجدان، نیز استفاده کرده است (نباطی بیاضی، ۱۳۸۴، ۱: ۲۰، ۴۲، ۸۵، ۱۳۰؛ همو، ۱۴۲۸، ۵۴ و ۹۵).

۴. **علوم طبیعی:** در این مورد، اشاره به خواص اجسام (نباطی بیاضی، ۱۴۲۸، ۲۴۳؛ مجلسی، ۱۴۰۳، ۵۸: ۹۴) را می‌توان از باب نمونه ذکر کرد.

۵. **هیئت:** بحث از اجسام فلکیه (مجلسی، ۱۴۰۳، ۵۸: ۹۴)، از موارد استفاده ایشان از علم هیئت در مباحث کلامی است.

۲-۳. علوم نقلی

۱. **علوم ادبی:** از مطالعه آثار علامه بیاضی به دست می‌آید که ایشان در علوم ادبی مانند: لغت، صرف، نحو، و معانی و بیان و شعر متبحر بوده است، و می‌توان او را یک ادیب نامید. وی در نثر و نظم دارای قلم و بیانی رسا بوده و منظومه‌ای به نام «ذخیره الإیمان» در علم کلام دارد. ایشان در مباحث کلام در جای مناسب، از بحث‌های ادبی بهره کافی برده است. صاحب‌اعیان الشیعه می‌نویسد که در آخر کتاب

«الصراط المستقیم» ابیاتی به نظم علامه بیاضی یافته است (امین، ۱۴۲۱، ۸: ۳۰۹). در نهایت می‌توان گفت که این متکلم ادیب، از ادبیات در مباحث کلامی فراوان بهره برده است، مانند: تحدید معنای لغوی کلمات (نباطی بیاضی، ۱۴۲۸، ۶۱، ۶۲، ۶۸، ۱۱۷، ۱۴۴ و ۱۹۸؛ همو، ۱۳۸۴، ۱: ۲۹۸، ۳۰۵ و ۳۰۸)، معانی حروف جارہ (نباطی بیاضی، ۱۴۲۸، ۶۸، ۹۰، ۱۰۲، ۱۷۹، ۲۱۰، ۲۳۷ و ۲۶۰). همچنین مسائل دیگری از ادبیات را نیز می‌توان در آثار ایشان یافت، مانند: لای نفی جنس، لای ناهیه، اسم اشاره، مذکر و مؤنث، تاکید معنوی، اسماء عدد، عطف و... (نباطی بیاضی، ۱۴۲۸، ۲۹، ۱۱۴، ۲۴۲، ۲۱۲ و...) البته نباید استفاده از اشعار را فراموش کرد که ایشان فراوان در مباحث کلامی به اشعار شعراء تمسک کرده است.

۲. اصول فقه: مباحث اصول فقه آمیزه‌ای از مسایل عقلی و نقلی است، ولی مباحث عقلی آن، عقلیات عرفی است و با عقلیات فنی و تخصصی در منطق، معرفت شناسی و فلسفه تفاوت دارد، از این رو آن را در بخش علوم نقلی جای دادیم. مباحث اصول فقه در عرصه کلام نقلی نقش تعیین کننده دارد، لذا متکلم باید آشنایی لازم را در این باره داشته باشد. اگر چه زین الدین بیاضی اثر مستقلی در این علم ندارد- همان گونه که در معرفی شخصیت وی اشاره شد- ولی از جامعیت علمی برخوردار بوده است، و از مطاوی بحث‌های کلامی ایشان به دست می‌آید که در علم اصول فقه، صاحب نظر بوده است. نمونه‌هایی از مسایل اصول فقه که وی در مباحث کلامی خود از آنها بهره گرفته است عبارتند از: ادله اربعه، عام و خاص (نباطی بیاضی، ۱۴۲۸، ۴۴، ۶۳، ۱۴۵، ۱۵۵، ۲۵۳؛ همو، ۱۳۸۴، ۱: ۳۰۴)، اجماع، خبر واحد و خبر متواتر. به عنوان نمونه، ایشان در بحث رؤیت خداوند در قیامت- که عده‌ای برای اثبات این مدعا به روایتی تمسک کرده بودند- این گونه پاسخ می‌دهد که این روایت خبر واحد است و در اعتقادات اعتباری ندارد (نباطی بیاضی، ۱۳۸۴، ۱: ۴۴، ۶۷، ۷۴، ۱۸۱، ۲۶۰، ۱۱۷ و ۳۰۷؛ همو، ۱۴۲۸، ۱۱۶، ۱۸۸). وجوب کفایی و عینی، اصله عدم اضرار، وجوب مقدمه، حجیت فهم عرفی (نباطی بیاضی، ۱۴۲۸، ۶۸؛ نباطی بیاضی، ۱۳۸۴، ۱: ۷۲، ۸۵، ۸۶؛ نباطی بیاضی، ۱۴۲۸، ۲۱۵)، صیغه امر (نباطی بیاضی، ۱۴۲۸، ۱۷۷ و ۶۷)، مفهوم موافقت، حقیقت و مجاز و قیاس اولویت نیز از نمونه‌های کاربرد مباحث اصول فقه در علم کلام است. ایشان در بحث عدم جواز انتخاب امام از ناحیه مردم، این طور استدلال کرده است: اگر جایز باشد که امت برای خود امام انتخاب کنند به طریق اولی باید مجاز باشند در انتخاب نبی؛ زیرا هر دو مساله در لطف

و مصلحت بودن برای امت مساوی هستند (نباطی بیاضی، ۱۳۸۴، ۱: ۷۱ و ۱۳۹؛ همو، ۱۴۲۸، ۱۵۷ و ۲۱۵).

۳. تاریخ: علامه بیاضی اگر چه در زمینه تاریخ کتاب مستقلی ندارد اما به تناسب در مسایل کلامی به ویژه در بحث نبوت و امامت از مباحث تاریخی بسیار بهره برده است. مانند: معجزات حضرت رسول ﷺ (نباطی بیاضی، ۱۴۲۸، ۲۴۲-۲۴۵)، معجزات و کرامات ائمه اطهار (نباطی بیاضی، ۱۴۲۸، ۳۰۱-۳۱۷؛ نباطی بیاضی، ۱۳۸۴، ۱: ۹۴-۱۰۱، ۲: ۱۷۷-۲۱۷)، فضائل حضرت علی (همان، ۱: ۱۵۱-۲۴۸، ۲: ۷۶-۷۹)، امامت (نباطی بیاضی، ۱۴۲۸، ۲۹۲-۲۹۸؛ همو، ۱۳۸۴، ۲: ۲۴۵-۲۵۷)، مطاعن (همان، ۳: ۲۳۷-۲۶۰؛ همو، ۱۴۲۸، ۲۳۴-۲۴۳)، نقل اشتباهات ائمه اربعه اهل سنت (نباطی بیاضی، ۱۳۸۴، ۳: ۱۸۱-۲۳۸) و

۴. جایگاه عقل در روش کلامی علامه بیاضی

علامه بیاضی، عقل را غریزه‌ای می‌داند که اگر از آفات مصون باشد، لازمه آن، علم به بدیهیات است (نباطی بیاضی، ۱۴۲۸، ۴۵). این عقل، عقل نظری است که ادراک بدیهیات لازمه آن است (همان). از آنجا که یکی از راه‌های وصول به معرفت عقلی راه نظر و فکر است، لذا به مساله نظر نیز پرداخته و آن را تبیین کرده است (همان: ۲۶). علامه بیاضی وجوب نظر را عقلی می‌داند (همان)، و آن را نخستین تکلیف می‌شمرد، و در عین حال این وجوب را وجوب مقدمی دانسته و آن را به دلیل وجوب معرفت خداوند متعال و برای دستیابی به معرفت الهی واجب می‌داند، که وجوب نظر در رتبه متأخر از وجوب معرفت است، ولی در ترتیب، مقدم بر وجوب معرفت خداوند متعال است (همان).

علامه بیاضی بر حجیت عقل تاکید دارد، و در ضمن تقسیم ادله به چهار قسم (عقل، کتاب، سنت و اجماع)، به بیان جایگاه عقل در مباحث خدا شناسی می‌پردازد، و راه ورود در مباحث خدا شناسی را عقل می‌داند، و دلیل بودن کتاب و سنت و اجماع را مرهون دلیل عقل می‌داند. بر همین اساس، به سراغ برهان حدوث رفته و به اثبات خداوند و در پی آن اثبات صفات الهی می‌پردازد (همان: ۴۴). البته ایشان از رنگ فلسفی دادن به مسائل کلامی خودداری کرده است.

علاوه بر مباحث مربوط به ذات و صفات خداوند که در آنها از تفکر عقلی بهره می‌گیرد (همان)، در مباحثی مانند: ضرورت نبوت، لزوم امام و وجود امام، عصمت نبی

و امام و دیگر صفات مثل عصمت، از ادله عقلی بهره برده است (نباطی بیاضی، ۱۴۲۸، ۲۲۱، ۲۸۲، ۲۸۴ و ۲۸۵؛ همو، ۱۳۸۴، ۱: ۴۰، ۵۱ و ۱۱۴). ایشان با پذیرش قاعده حسن و قبح عقلی، در میدان عقل عملی به تبیین برخی از افعال الهی مانند حکمت، عدل، ابطال جبر (نباطی بیاضی، ۱۳۸۴، ۱: ۲۱، ۲۳)، تکلیف و لطف (نباطی بیاضی، ۱۴۲۸، ۱۹۸ و ۲۰۳) پرداخته است.

۵. جایگاه نقل در روش کلامی علامه بیاضی

با توجه به آثار ایشان می‌توان گفت با اینکه بعد از مرحوم خواجه نصیرالدین طوسی رویکرد غالب جوامع علمی آن عصر، رویکرد خردگرایی فلسفی بود- که هر یک از نص و عقل جایگاه مستقلی دارند و حوزه‌ی هر یک جدای از دیگران است- و دیگران تحت تاثیر آن قرار گرفته بودند، اما در چنین جو علمی حاکم، مرحوم بیاضی یک بازگشتی انجام داد و از رویکرد غالب عصر خود روی گرداند و بر اساس عقل‌گرایی تاویلی، آثار خود را سامان داد، و از آن رویکرد، در تبیین اهداف خود کمک گرفت. لذا شیوه وی چنین است که در مواردی که دلیل عقلی بر مدعا باشد آن را بیان می‌کند و از آن شروع می‌کند، و دلیل نقلی را موبد می‌داند (نباطی بیاضی، ۱۳۸۴، ۱: ۱۱۰)، و در صورت مخالفت نقل با دلیل عقلی، نقل را به تأویل می‌برد (همان، ۱: ۲۴). به عنوان نمونه ایشان در آیات پنجم و سی و نهم از سوره طه و آیه هفتاد و پنجم از سوره ص و آیات پنجاه و ششم و شصت و هفتم از سوره زمر و... دست به تأویل زده است (نباطی بیاضی، ۱۴۲۸، ۹۶-۹۹، ۱۱۶).

ایشان تصریح می‌کند تا آنجا که حمل بر ظاهر ممکن باشد نباید دست به دامن تأویل شد (همان، ۲۵۷). توجه ایشان به عقل و دلیل عقلی، مانع از پذیرش محدودیت فهم و درک عقلی و نیازمندی به نقل و حیانی، نمی‌باشد. این رویکرد علامه بیاضی را می‌توان در پاسخ ایشان به براهمه که منکر ضرورت بعثت بوده و آن را لغو می‌دانستند، و عقل را برای راهنمایی کافی قلمداد می‌کردند مشاهده کرد، ایشان در این رابطه می‌نویسد: «احکام شرعی اگر موافق با احکام عقلی باشد می‌تواند مؤکد و مفصل احکام عقلی باشد و اگر مخالف باشد، عقل را به سمت صواب راهنمایی می‌کند» (همان، ۲۲۱).

هم چنین در مقابل اشاعره که وجوب عقلی بعثت را انکار می‌کنند می‌نویسد: «... معتزله فی الجملة و تمام امامیه قائل به وجوب عقلی بعثت هستند... و بعثت انبیاء بر

خداوند واجب است در تمام زمانها، زیرا تکالیف شرعیه لطف هستند در تکالیف عقلیه،... و علم به تفصیل ثواب و عقاب سمعی و نقلی است...» (نباطی بیاضی، ۱۳۸۴، ۱: ۴۰).

لذا ایشان در موارد متعدد به ادله غیر عقلی - یعنی معارفی که از طریق آیات و روایات به ما می‌رسد - تمسک کرده است. وی ضمن تبیین خبر متواتر و بیان شرایط آن - از جمله عدم اعتبار تعداد مخبرین در آن - با مفید علم قلمداد کردن اخبار متواتر، آن را طریقی برای اثبات برخی از مسائل کلامی معرفی می‌کند، مانند: اثبات نبوت حضرت رسول اکرم ﷺ و معجزات ایشان و امامت بلا فصل حضرت علی ؑ (نباطی بیاضی، ۱۳۸۴، ۱: ۴۲؛ همو، ۱۴۲۸، ۲۷۸). ایشان به اجماع نیز به عنوان یکی دیگر از طرق معرفت‌زای غیر عقلی تمسک کرده است و مسائل متعددی را با اجماع به اثبات رسانده است. به عنوان نمونه، ایشان در مسأله‌ی عذاب قبر می‌نویسد: «أما ثبوتہ فمجمعٌ علیہ» (نباطی بیاضی، ۱۴۲۸، ۲۶۷ و ۲۹۱).

۶ روش مواجهه‌ی علامه بیاضی با دیگر آراء و فرق کلامی

علامه بیاضی در آثار خویش، به اقوال مذاهب مختلف به طور مستند پرداخته است، مانند: اشاعره، معتزله، حشویه، حنبلیه، زیدیه و فرق آن، و حتی به فرقه‌های نصرانی مانند: نسطوریه، یعقوبیه و فرقه‌های یهودی مانند: عیسویه، یوزغانیه، و فرق ثنویه مانند: مزدکیه و مانویه اشاره کرده است (شهید اول - نباطی بیاضی، ۱۴۲۲، ۲۶۴). وی گاهی به بعضی از فرقه‌های کلامی اشاره می‌کند که امروزه در مصادر ما اثری از آنها به چشم نمی‌خورد، مانند فرقه مقاریبه (شهید اول - نباطی بیاضی، ۱۴۲۲، ۲۶۴)، که این مسأله خود نشانگر تسلط ایشان بر اقوال و نحله‌های گوناگون دیگر است. همچنین از اندیشمندان مختلف مانند: جاحظ، نظام، ابوالحسن اشعری، ابوالهذیل، ابو هاشم و ابو علی جبائی، ابوالقاسم بلخی، ضرار بن عمر... نام برده و به نقد و بررسی اندیشه‌های آنها پرداخته است. ویژگی دیگر ایشان، عدم تعصب در نقل اقوال و تبیین و توضیح آن است، به نحوی که آرای مخالفان را به طور مستند و مستدل و روشن آورده و گاهی اشکالات وارد بر آن را نیز پاسخ داده، و سپس پاسخ و رأی مطلوب خود را ارائه کرده است (این موارد به وفور هم در عصره المنجود یافت می‌شود و هم در الصراط المستقیم).

نتیجه

علامه بیاضی با الهام از روش پیشینیان خود، مانند سید مرتضی و شیخ طوسی و دیگر هم مسلکان این طیف از علمای عقل گرا، با استفاده از علوم مختلف قابل استفاده در علم کلام، و با رویکردی عقل گرایانه و با استفاده از روشهای منطقی، و با بهره بری از ادله‌ی عقلی و نقلی، به تبیین و اثبات معارف حقه شیعه پرداخته، و دیدگاه‌های دیگر دانشمندان را منصفانه بررسی و نقد کرده است. علامه بیاضی بر اساس روش عقل گرایانه‌ی خود، در صورت بروز تعارض میان عقل و نقل قابل اعتنا، روش تاویل را پیش گرفته، و این گونه بین این دو توافق برقرار کرده است. در نهایت می‌توان گفت روش ایشان عقل گرایی تاویلی است..



۱. قرآن الکریم.
۲. ابن اثیر، مبارک بن محمد، ۱۳۶۷هـ ش، *النهائية في غريب الحديث والأثر*، قم، موسسه مطبوعاتی اسماعیلیان.
۳. ابن شهر آشوب مازندرانی، محمد بن علی، ۱۳۷۹هـ ق، *مناقب آل ابی طالب*، قم، نشر علامه.
۴. افندی، عبدالله بن عیسی بیگ، ۱۴۳۱هـ ق، *ریاض العلماء و حیاض الفضلاء*، بیروت، موسسه التاریخ العربی.
۵. آقا بزرگ تهرانی، محمد محسن، ۱۴۰۳هـ ق، *الذريعة الى تصانيف الشيعة*، قم، اسماعیلیان.
۶. امین، سید محسن، ۱۳۸۵هـ ق، *اعیان الشیعه*، بیروت، دارالتعارف.
۷. سبحانی، شیخ جعفر، ۱۴۱۸هـ ق، *موسوعه الطبقات الفقهاء*، قم، موسسه امام صادق علیه السلام.
۸. سبحانی، شیخ جعفر، ۱۴۲۴هـ ق، *معجم طبقات المتکلمین*، قم، موسسه امام صادق علیه السلام.
۹. شهید اول - علامه بیاضی، ۱۴۲۲هـ ق، *أربع رسائل كلامية*، قم، دفتر تبلیغات اسلامی.
۱۰. شیخ حر عاملی، محمد بن حسن، *امل الآمل*، بغداد، مکتبه الاندلس.
۱۱. مجلسی، محمدباقر، ۱۴۰۳هـ ق، *بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار*، بیروت، دار إحياء التراث العربی.
۱۲. مدرس تبریزی، محمد علی، ۱۳۶۹هـ ش، *ریحانه الادب*، تهران، انتشارات خیام.
۱۳. نباطی بیاضی، زین الدین، علی بن یونس، ۱۳۸۴هـ ش، *الصرط المستقیم الی مستحقى التقديم*، بی جا، المکتبه المرتضویه.
۱۴. نباطی بیاضی، زین الدین، علی بن یونس، ۱۴۲۲هـ ق، *رساله الیونسیه*، قم، دفتر تبلیغات اسلامی.

١٥. نباطى بىاضى، زىن الدين، على بن يونس، ١٤٢٨ هـ ق، *عصرة المنجود*، قم، مؤسسه امام صادق عليه السلام.

کلام بىلامى

سال بيست و هشتم، شماره صد و يازده